



ISSN: 1999-5601 (Print) 2663-5836 (online)

Lark Journal

Available online at: <https://lark.uowasit.edu.iq>



*Corresponding author

Assistant Professor Khaled

Hefzy Abdul Amir

Muhammad Al-Tamimi

University of Karbala, Center
for Strategic Studies

Email:

khaledaltamem@gmail.com

Keywords: Nima Yushij,
Contemporary Poetry, Social
Poet, classical literature.

ARTICLE INFO

Article history:

Received 27Dec 2024

Accepted 13 Feb2025

Available online 1 Apr 2025



A Study of Social Issues in Nimayoshij's Poetry

A B S T R A C T

This study examines the role of Nima Yoshij in developing the social and humanistic orientation in contemporary Persian poetry. It explores the similarities and differences between Nima's poetry and classical literature, focusing on how the poet transitioned from the rigid depiction of humans in classical literature to a more dynamic and socially aware representation. The study also investigates the key elements in Nima's poetry that reflect this orientation, such as freedom, rebellion, globalization, and human authenticity. Additionally, it analyzes the role of nature in Nima's poetry and its connection to social and humanistic dimensions. The study concludes that Nima's poetry serves as a model of social and humanistic poetry in contemporary Persian literature, demonstrating a deep concern for human and societal issues.

© 2025 LARK, College of Art, Wasit University

DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.4153>

دراسة القضايا الاجتماعية في اشعار نيمايوشيج

أ.م. خالد حفطي عبد الأمير التميمي/ مركز الدراسات الاستراتيجية / جامعة كربلاء

المستخلص

تتناول هذه الدراسة دور نيمايوشيج في تطوير التوجه الاجتماعي والإنساني في الشعر الفارسي المعاصر. تستعرض الدراسة أوجه التشابه والاختلاف بين شعر نيماي والأدب الكلاسيكي، مع التركيز على كيفية تحول الشاعر من صورة الإنسان الجامدة في الأدب الكلاسيكي إلى صورة إنسان أكثر حيوية ووعياً بواقعه الاجتماعي. تستكشف الدراسة أيضاً العناصر الأساسية في شعر نيماي التي تعكس هذا التوجه، مثل الحرية، التمرد، العولمة، وأصالة الإنسان. كما تحلل الدراسة دور الطبيعة في شعر نيماي وكيفية ارتباطها بالبعد الاجتماعي والإنساني. وتخلص الدراسة إلى أن شعر نيماي يمثل نموذجاً للشعر الاجتماعي والإنساني في الأدب الفارسي المعاصر، حيث يعكس اهتماماً عميقاً بقضايا الإنسان والمجتمع.

الكلمات المفتاحية: نيمايوشيج، الشعر المعاصر، الشعر الاجتماعي، الأدب الكلاسيكي.

چکیده: در این پژوهش، نقش نيمايوشيج در توسعه گرايش اجتماعي و انساني در شعر فارسي معاصر

مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش، شباهت‌ها و تفاوت‌های شعر نيماي با ادبیات کلاسیک را مورد مطالعه قرار داده و بر نحوه تحول شاعر از تصویر انسان جامد در ادبیات کلاسیک به تصویر انسانی پویاتر و آگاه‌تر از واقعیت اجتماعی خود تمرکز کرده است. همچنین، عناصر اصلی شعر نيماي که این گرایش را نشان می‌دهند، مانند آزادی، شورش، جهانی‌شدن و اصالت انسان مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش نقش طبیعت در شعر نيماي و ارتباط آن با ابعاد اجتماعی و انسانی را نیز تحلیل می‌کند. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که شعر نيماي نمونه‌ای از شعر اجتماعی و انسانی در ادبیات فارسی معاصر است که نشان‌دهنده علاقه عمیق به مسائل انسان و جامعه است.

کلمات کلیدی: نيمايوشيج، شعر معاصر، شاعر اجتماعی، ادبیات کلاسیک.

مقدمه:

شعر و ادبیات کلاسیک فارسی به یک معنا به افشار خاص و منحصر به فرد اجتماع عم از درباریان، نجبا و اشراف تعلق داشت به طوری که با جرئت تمام میتوان گفت که جهت گیری اجتماعی و انسانی شعر و ادبیات کلاسیک فارسی، ضعیف و بیمارگونه بود. کما اینکه این امر

ارتباط تنگاتنگ و ارگانیکی با جوانب دیگر فرهنگ و تمدن کلاسیک ایرانی داشت. برای رفع شبهه باید افزود، منظور این نیست که تمام شاعران و هنرمندان کلاسیک اینگونه بودند و اساس گرایش اجتماعی و انسانی نداشتند. به عنوان مثال نوعی زمینه اجتماعی در آثار ناصر خسرو، خیام، خواجه حافظ شیرازی، عبید زاکانی، فردوسی، سعدی و مولانا هست که در مقایسه با انبوه شاعران و هنرمندان، بسیار ناچیز به نظر می رسد. منظورم این نکته است که وجه غالب و مسلط آثار کلاسیک فارسی را زمینه اجتماعی و انسانی شکل نداده است.

به طور کلی از عصر مغول به بعد و تسلط همه جانبه و فراگیر عرفان و تصوف ابن عربی و اخلاف او، گرایشات اجتماعی به مرز صفر رسیده است؛ به خصوص در عرفان و تصوف ابن عربی و جانشینان او، کار به «جدول ضرب» و گسترش کارخانه مفهوم سازی می کشد (براهینی، 1380، ج 2: 231).

دکتر شفیع بکدکنی در این زمینه مینویسد: فرهنگ ایرانی و عملاً اسلامی به ویژه بعد از مغول با تصاعد هندسی به سوی بیمار «مفهوم سازی» حرکت کرده است و با کشف جدول این استعاره های تصادفی، همگان سعی در گسترش این کارخانه مفهوم سازی داشتند. دیدگاه دکتر شفیع بکدکنی را درباره نادیده گرفتن و ناچیز شمردن جنبه های اجتماعی عرفان ابن عربی نیز میتوان صحیح دانست. قدر مسلم این است که در ادبیات درباری و مدحی گذشته، اجتماع و انسان قربانی میشود و به جای آن دربار و درباریان مینشینند، بنابراین در ادبیات فارسی غنایی گذشته نیز به طور کلی، نه مطلق، جای انسان و اجتماع به معنای عینی کلمه خالی است (پورنامداریان، 1381، ج 2: 164).

در ادبیات عرفانی، به خصوص در مکتب ابن عربی و اخلاف او و ادبیات تعلیمی نیز همین امر قابل مشاهده است. آیا ادبیات فارسی تعلیمی گذشته که مبتنی بر «این را بکن» و «آن را نکن» بود، جایی برای انتخاب و احترام به مخاطب می گذاشت؟ این نکته را مقایسه کنید با نصایح اخلاقی مندرج در دیالوگ هانافلاطون و فلاسفه یونان باستان، تا تفاوت عمیق این امر به خوبی روشن شود (جعفری، 1386، ج 1: 122).

نکته جالب اینجاست که بخشی از اشعار نیما که درباره من فردی سخن میگوید قابل تعمیم به منهای اجتماعی و انسانی نیز هست. منظورم رمانتیسم نیمایی است که در عین حال رمانتیسم اجتماعی و انقلابی نیز هست. به گفته دکتر جعفری «گرایش رمانتیسم انقلابی-اجتماعی در عمق فکر و هنر نیما مستتر است (حمیدیان، 1383: 50).

نویسنده به عنوان یک انسان و به عنوان عضوی از جامعه دارای احساسات و تفکراتی است که متأثر از رویدادهای جامعه است و واکنش‌هایش را به‌آثار ادبی‌اش، اعمالش، رفتارهایش، و مانع‌هایش ترجمه می‌کند. (حسین؛ صالح، 2023: 594)

مبحث اول: عناصر اجتماعی شعر نیما

مطلب اول: شعر نیما یوشیج و بُعد اجتماعی آن

شعر نیما یوشیج به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته شعر نو در ایران، توجه ویژه‌ای به مسائل اجتماعی داشت. برخلاف شاعران کلاسیک که بیشتر بر مدح، تغزل، و مفاهیم پیچیده عاطفی متمرکز بودند، نیما به تحلیل شرایط اجتماعی و مشکلات مردم پرداخته است. او از اشعارش برای نقد وضع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زمانه استفاده می‌کرد و در بیشتر آثارش، نارضایتی از وضعیت اجتماعی و فقر گسترده میان مردم به‌وضوح نمایان است. نیما در آثارش سعی داشت تا به‌شکل عمیق‌تری مسائل اجتماعی را بیان کرده و مردم را به آگاهی از مشکلات پیرامونشان دعوت کند.

«خانه‌ام ابری است

میکسره روی زمین ابری است با آن
از فراز گردنه، خرد و خراب و مست
باد می‌پیچد...

ای نی زن که تو را آوای نی برده است دور از ره کجایی؟» (طاهباز، 1383: 761).

در شعر "خانه‌ام ابری است" که یکی از آثار مهم نیما یوشیج است، او به شدت انتقاد از کسانی می‌کند که از واقعیت‌های جامعه غافل هستند و تنها به زیبایی‌های سطحی توجه می‌کنند. نیما از زبان شخصیت اصلی شعر به مخاطب می‌گوید که خانه او ابری است، اشاره‌ای به وضعیت ناپایدار و پر از ابهام زندگی که نیاز به تغییر دارد (پورنامداریان، 1381: 112). این شعر نشان‌دهنده نارضایتی نیما از کسانی است که به جای توجه به واقعیت‌های اجتماعی، در پی زیبایی‌های مجازی و بی‌اهمیت می‌روند.

شعر نیما به نوعی دعوت به آگاهی است؛ او در بسیاری از اشعار خود مردم را به تماشای مشکلات پیرامون خود دعوت می‌کند. در شعر "آی آدم‌ها"، او کسانی را که در برابر مشکلات مردم بی‌تفاوت هستند، مورد حمله قرار می‌دهد و به آنان هشدار می‌دهد که از خود غافل نباشند

(پورچافی، 1384: 97). نیما با استفاده از نمادهایی مانند دریای تند و سنگین، به مخاطب نشان می‌دهد که مشکلات جامعه همانند گرداب‌هایی است که می‌تواند همه را به کام خود بکشانند.

نیما یوشیج همچنین در اشعارش به تضاد طبقاتی و فاصله اجتماعی میان طبقات مختلف جامعه پرداخته است. او در شعر "کس نمی‌رسد از بهر چیست"، به وضوح فقر و شکاف‌های اجتماعی را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که در جامعه‌ای که عده‌ای در رفاه کامل هستند، عده‌ای دیگر در حال گرسنگی و مرگ هستند (همان، 1383: 118). نیما با این اشعار خود در تلاش است تا توجه مردم و مسئولان را به این نابرابری‌ها جلب کند.

در شعر "خواب زمستانی"، نیما به بی‌عدالتی‌های موجود در جامعه و نحوه برخورد با افراد مستحق اشاره می‌کند. او از کسانی صحبت می‌کند که به دلیل سیستم‌های ناعادلانه، هیچ‌گاه به جایگاه واقعی خود نمی‌رسند (زریان کوب، 1358: 231). نیما با این اشعار، همواره سعی می‌کند تا نگاهی انتقادی به سیستم‌های اجتماعی و سیاسی داشته باشد و به مردم هشدار دهد که برای اصلاح این وضعیت باید تلاش کنند.

او همچنین در اشعار خود به مسائل مربوط به ظلم و فساد حکومتی پرداخته است. در شعر "نظر افکند به راه از همه جا"، نیما به وضوح از فساد و استبداد حکومتی انتقاد می‌کند و مردم را به اعتراض و مبارزه با این وضعیت دعوت می‌کند (طاهباز، 1386: 124). او در این شعر به‌طور واضح به شکلی نمادین نشان می‌دهد که چگونه حکام مستبد و فاسد باعث تباهی جامعه می‌شوند.

نیما یوشیج در شعر خود علاوه بر نقد وضع اجتماعی، به مردم توصیه می‌کند که از جهل و خرافات دوری کنند. او در شعر "انگاسی"، سادملوحي مردم را مورد انتقاد قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه بعضی از افراد در پی اندیشه‌های غلط و بی‌پایه می‌روند (طاهباز، 1386: 69). نیما با این اشعار خود می‌خواست تا مردم را به تفکر منطقی و آگاهی از واقعیت‌ها دعوت کند.

شعر نیما همچنین انعکاس‌دهنده انتقاد او از زندگی شهری و فرهنگ مصرف‌گرایی است. او در اشعار خود نشان می‌دهد که چگونه شهرنشینی و مصرف‌گرایی باعث گسست اجتماعی و نادیده گرفتن مشکلات واقعی جامعه می‌شود (خامه‌ای، 1386: 217). در شعر "صد به شهر ارزد"، نیما به این موضوع اشاره می‌کند که زندگی در روستا و ارتباطات ساده‌تر آن، می‌تواند به‌مراتب ارزشمندتر از زندگی شهری باشد که در آن ظلم و فساد حکم‌فرما است.

نیما یوشیج در آثار خود به شکل خاص به وضعیت زنان در جامعه توجه کرده است. او از شرایط دشوار زنان و نقش آن‌ها در جامعه به‌ویژه در دوران خود سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که چگونه

زنان در شرایط ناعادلانه و پرمشکل زندگی می‌کنند (حمیدیان، 1383: 45). در اشعارش، او به شکلی نمادین از این مشکلات سخن می‌گوید و مردم را به تغییر وضعیت موجود دعوت می‌کند. نیما یوشیج از طریق شعر خود، در تلاش است تا نهادهای اجتماعی و فرهنگی را به تغییر و تحول دعوت کند. او با بهره‌گیری از زبان نمادین و نقد اجتماعی در آثارش، پیامی روشن به جامعه ارسال می‌کند که باید از وضعیت موجود فاصله گرفت و به سمت عدالت و برابری حرکت کرد (جعفری، 1386: 92).

مطلب دوم: توجه مادی و عینی در شعر نیما
توجه مادی و عینی یکی از ویژگی‌های برجسته در شعر نیما است. نیما جهان را از زاویه‌ای مادی و واقع‌گرایانه می‌بیند و این دیدگاه را در اشعار خود به وضوح بیان می‌کند.
«شاعری است که جز با نگاه زمینی به جهان نمی‌نگرد، چرا که جهان را گذران می‌بیند و به اصل بقایش چندان اعتقاد نیست و ما این بینش را از همان "افسانه" آنجا که به حافظ خطاب می‌کند، به عیان می‌بینیم.» (حقوقی، 1384: 16-17).

این نگرش به جهان مادی به‌طور خاص در شعر «افسانه» مشهود است که در آن، نیما نه تنها مفهوم عشق را بلکه بسیاری از مفاهیم دیگر را در قالب واقعیت‌های عینی و ملموس بیان می‌کند. به نظر نیما، بسیاری از مفاهیم چون عشق، به‌طور خیالی و غیرعینی و بر اساس آرزوهای انسان‌ها ساخته می‌شوند. او با دیدگاه مادی خود، این مفاهیم را در دنیای واقعی و ملموس جستجو می‌کند. (حقوقی، 1384: 16-17).

«که تواند مرا دوست دارد
و اندر آن بهره خود نجوید؟
هرکی از بهر خود در تکاپوست
کس نچیند گلی که نبوید
عشق بی‌حظ و حاصل، خیالی است!
حافظا این چه کید و دروغی‌ست
کز زبان می و جام و ساقی است؟
نالی ار تا ابد، باورم نیست
که بر آن عشق‌بازی که باقی‌ست

من بر آن عاشقم که رونده است» (طهباز، 1383: 71-72).

نیما در شعر «افسانه» به‌طور خاص به نقد شعر غنایی می‌پردازد که در آن عشق را پدیده‌ای تجربیدی و غیرمادی می‌داند. او برخلاف این نگرش، عشق را چیزی می‌داند که باید در دنیای واقعی و در کنش‌های انسانی قابل مشاهده و درک باشد. در این شعر، او به‌طور مستقیم به حافظ، شاعر بزرگ ایرانی، نقد می‌کند و از او می‌پرسد که چگونه می‌تواند عشق را در قالب مفهومی غیر عینی ببیند. این دیدگاه نیما نشان‌دهنده تلاش او برای بازتعریف عشق و مفاهیم مشابه در قالبی مادی و ملموس است. (طاهباز، 1383: 71-72).

این نگرش مادی نیما به عشق و مفاهیم انسانی تنها به «افسانه» محدود نمی‌شود بلکه در بسیاری از اشعار او مشاهده می‌شود. نیما با نگاه عینی به جهان، در تلاش است تا پیچیدگی‌های روابط انسانی و اجتماعی را به‌صورت واقعی و ملموس به تصویر بکشد. این نگاه به‌ویژه در اشعار او که به مسائل اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند، بیشتر برجسته است. نیما به‌طور صریح از ظلم و بی‌عدالتی در جامعه سخن می‌گوید و از مردم می‌خواهد که به‌طور فعال در برابر مشکلات اجتماعی و سیاسی ایستادگی کنند. (حمیدیان، 1383: 45).

یکی از ویژگی‌های این نگاه مادی و عینی در شعر نیما، تبدیل مفاهیم انسانی به اشیاء ملموس است. نیما با استفاده از استعاره‌ها و نمادها، مفاهیم پیچیده‌ی انسانی مانند آزادی، عدالت، و عشق را به‌گونه‌ای عینی و مادی بیان می‌کند. برای مثال، در اشعار خود، از عناصر طبیعی مانند گل‌ها، رودها، کوه‌ها و دیگر پدیده‌های طبیعی برای توصیف وضعیت اجتماعی و احوال انسان‌ها استفاده می‌کند. این استعاره‌ها به مخاطب کمک می‌کند تا به‌طور ملموس‌تری مفاهیم عاطفی و انسانی را درک کند. (زری‌کوب، 1358: 50).

نیما در شعر «محبس» نیز به‌طور مشابه با نقد شرایط اجتماعی و سیاسی، وضعیت انسان‌ها را در قالب زندانیان و محبوسان نشان می‌دهد. در این شعر، نیما به‌گونه‌ای سمبلیک و عینی به بی‌عدالتی و ظلم در جامعه اشاره می‌کند و زندان را به‌عنوان سمبلی از جامعه‌ای که در آن حقوق انسان‌ها پایمال می‌شود، به‌تصویر می‌کشد. در اینجا نیز نیما با نگاه عینی خود، وضعیت انسانی و اجتماعی را بررسی می‌کند. (حقوقی، 1384: 19-20).

نگاه مادی و عینی نیما همچنین در اشعار اجتماعی او که به مسائلی مانند فقر، بی‌عدالتی، و نابرابری‌های اجتماعی پرداخته است، مشهود است. او در اشعار خود، نه تنها به بیان دردها و مشکلات جامعه می‌پردازد، بلکه از مردم می‌خواهد که در برابر این مشکلات واکنش نشان دهند.

نیما با زبان ساده و عینی خود، مخاطب را به اقدام عملی و کنش اجتماعی فرا می‌خواند. (کدکنی، 1380: 112).

در بسیاری از اشعار نیما، به‌ویژه در اشعار مربوط به جنگ و انقلاب، او از استعاره‌های عینی و ملموس برای بیان اعتراض خود استفاده می‌کند. برای مثال، در اشعار جنگی خود، نیما از تصاویری چون خون، آتش، و خاک برای توصیف وضعیت انسان‌ها و جامعه استفاده می‌کند. این تصاویر و استعاره‌ها به مخاطب کمک می‌کند تا به‌طور ملموس‌تری درک کند که وضعیت اجتماعی و سیاسی چه تأثیراتی بر زندگی انسان‌ها دارد. (طاهباز، 1386: 112-115).

یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های نگرش مادی و عینی نیما این است که او همیشه سعی دارد در اشعار خود مفاهیم انسانی را در دنیای واقعی و مادی به‌تصویر بکشد. او به‌جای اینکه از مفاهیم انتزاعی و غیرعینی استفاده کند، سعی می‌کند آنها را در قالب اشیاء، شخصیت‌ها و اتفاقات واقعی و ملموس بیان کند. این ویژگی باعث می‌شود که شعرهای نیما برای مخاطبان به‌ویژه در زمان خود، بسیار جذاب و قابل فهم باشد. (حمیدیان، 1381: 150).

نگاه مادی نیما همچنین در بیان مسائل اجتماعی و سیاسی نیز مشاهده می‌شود. او به‌جای اینکه به مفاهیم کلی و انتزاعی پرداخته و آنها را در قالب استعاره‌ها و نمادهای پیچیده بیاورد، به‌طور مستقیم به مشکلات اجتماعی و سیاسی پرداخته و آنها را در قالب تصاویر و توصیف‌های عینی و ملموس بیان می‌کند. این رویکرد به شعر نیما این ویژگی را می‌دهد که همواره کاربردی و قابل درک باشد. (خامه‌ای، 1386: 178-180).

در نهایت، نیما با استفاده از این نگرش مادی و عینی در شعر خود، توانست انقلابی در ادبیات فارسی ایجاد کند. او توانست مفاهیم پیچیده انسانی و اجتماعی را به‌گونه‌ای قابل درک و عینی بیان کند و این ویژگی باعث شد که شعرهای او به‌ویژه در دوره‌ی معاصر ایران، تأثیر زیادی بر شاعران بعد از خود بگذارد. (جعفری، 1386: 120-125).

مطلب سوم: سمبولیسم اجتماعی فی شعر نیما

شعر نیما یوشیج که به عنوان پایه‌گذار شعر نو در ادبیات فارسی شناخته می‌شود، با استفاده از سمبولیسم، ویژگی خاص خود را به نمایش می‌گذارد. اما سمبولیسم نیما با سمبولیسم سنتی که در ادبیات صوفیانه رایج بود، تفاوت دارد. نیما این سمبولیسم را نه تنها در راستای بیان مفاهیم عرفانی، بلکه به شکلی اجتماعی و انسانی به کار برده است. این تغییر نگاه در شعر نیما باعث

می‌شود که شعر او از نظر اجتماعی و انسانی رنگ و بوی خاصی داشته باشد. این نکته را دکتر سعید حمیدیان به خوبی توضیح داده است:

"آنچه پیداست این‌که اگرچه نمادگرایی در شعر با زمینه اجتماعی مقوله‌ای کاملاً جدید از نیما یوشیج به بعد است، لیکن گونه عرفانی آن پیشینه‌ای دیرین و پهنه‌ای فراخ در ادب پارسی دارد" (حمیدیان، 1383: 143).

این گفته بیانگر آن است که نیما سمبولیسم را در جهت بازتاب مسائل اجتماعی و انسانی به کار گرفته و از آن برای تحلیل شرایط اجتماعی استفاده کرده است.

در شعر معروف نیما، "ققنوس"، این سمبولیسم اجتماعی به وضوح دیده می‌شود. در این شعر، پرنده‌ای که نماد اصلی قصیده است، وضعیت انسان را در جامعه به تصویر می‌کشد. این پرنده نه تنها نماد طبیعت، بلکه نماینده وضعیت انسانی است که در دنیای سرد و سخت به دنبال بقا می‌باشد. نیما در این شعر با استفاده از پرنده‌ای به نام ققنوس، وضعیتی از انسان معاصر را به نمایش می‌گذارد که از سختی‌های زندگی و جامعه رنج می‌برد. او در این شعر می‌نویسد:

ققنوس، مرغ خوشخوان، آوازه جهان

آواره مانده از وزش بادهای سرد

بر شاخ خیزران

نشسته است فرد

بر گرد او به هر سر شاخه‌ای پرندگان

او ناله‌های گمشده ترکیب می‌کند» (حمیدیان، 1383: 325).

این اشعار نشان می‌دهند که پرنده‌ای که نماد ققنوس است، به نوعی شبیه به انسان‌هایی است که در جامعه‌ای سرد و بی‌رحم گرفتار شده‌اند و همچنان به جستجوی راهی برای رهایی از این شرایط می‌پردازند.

در واقع، سمبولیسم اجتماعی در شعر نیما از سمبولیسم عرفانی متمایز است، چرا که او از این ابزار به منظور بیان مشکلات اجتماعی و معضلات انسانی استفاده کرده است. در شعرهای نیما، سمبول‌ها نه تنها برای توصیف جهان روحانی یا احوال درونی انسان، بلکه برای بیان دردهای جامعه و خواسته‌های اجتماعی افراد به کار رفته‌اند. به این ترتیب، شعر نیما به یک وسیله اجتماعی تبدیل می‌شود که پیام‌های انسان‌دوستانه و اجتماعی را منتقل می‌کند. (حمیدیان، 1383: 143).

در این شعر، ققنوس به نمادی از انسان‌هایی تبدیل می‌شود که در جامعه با مشکلات فراوان روبرو هستند. این پرنده به عنوان یک سمبول، نه تنها وضعیت خاص خود را به تصویر می‌کشد، بلکه سرنوشت انسان‌ها را نیز نمایان می‌کند که چگونه در میان مشکلات و چالش‌های زندگی برای بقا می‌جنگند. این سمبولیسم به طور خاص به مشکلات و نارضایتی‌های اجتماعی اشاره دارد که نیما آن را در دنیای معاصر خود مشاهده کرده است. (همان: 325).

نیما در این شعر به نوعی از وضعیت انسان‌ها و جامعه سخن می‌گوید که همگی در یک فرآیند تحولی قرار دارند و در تلاش برای تغییر شرایط هستند. پرنده‌ای که در شعر نیما به آن اشاره شده است، نمایانگر فردی است که از شرایط موجود فرار کرده و به دنبال جایی امن و آرام می‌گردد. این تصویر نمادین از زندگی انسان‌ها در جامعه‌ای است که در آن، همه در جستجوی آزادی و رهایی از فشارهای اجتماعی و اقتصادی هستند. (همان: 143).

در نتیجه، شعر نیما با به کارگیری سمبولیسم اجتماعی، به نوعی از قضاوت‌ها و ارزیابی‌های اجتماعی پرداخته و نشان داده است که مشکلات اجتماعی نه تنها بر زندگی فردی تأثیر می‌گذارند، بلکه در دنیای جمعی نیز اثرات عمیقی بر جا می‌گذارند. از این رو، نیما در آثار خود به شیوه‌ای نوین، مفاهیم اجتماعی را در قالب سمبول‌ها و نمادها بیان می‌کند. این تغییر در استفاده از سمبولیسم باعث می‌شود که شعر نیما به یک ابزار قدرتمند برای تحلیل و بررسی مشکلات اجتماعی تبدیل شود. (حمیدیان، 1383: 143).

نیما در این راستا، سمبولیسم را نه تنها به عنوان ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تغییر و تحولی در جامعه استفاده کرده است. این امر باعث شده است که شعر او از جنبه‌های معنوی و فلسفی، به دنیای اجتماعی و انسانی نزدیک‌تر شود و از آن به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری بر جامعه و دگرگونی‌های اجتماعی بهره گیرد. در این شیوه نوین از سمبولیسم، نیما سعی دارد تا جهان را به گونه‌ای متفاوت و از زاویه‌ای تازه بنگرد. (همان: 143).

در این روش، نیما با استفاده از سمبول‌ها و نمادها، تصویرهایی از وضعیت اجتماعی و انسانی را به نمایش می‌گذارد که خود را درون یک ساختار اجتماعی بزرگتر می‌یابد. این ساختار اجتماعی که در شعر نیما منعکس می‌شود، نه تنها واقعیت‌های جامعه را به تصویر می‌کشد، بلکه نقدی بر وضعیت موجود و تلاش برای تغییر آن نیز هست. به این ترتیب، شعر نیما با استفاده از سمبولیسم اجتماعی، به وسیله‌ای برای تغییر و اصلاح وضعیت اجتماعی تبدیل می‌شود. (حمیدیان، 1383: 143).

در نهایت، شعر نیما به‌طور کلی یک تحول اساسی در استفاده از سمبولیسم در ادبیات فارسی ایجاد کرده است. او با به‌کارگیری این ابزار در راستای بیان مسائل اجتماعی، باعث شده است که شعر فارسی از حالت صرفاً عرفانی و فلسفی خارج شده و به مسائل انسانی و اجتماعی نیز پرداخته شود. این شیوه جدید از سمبولیسم که نیما معرفی کرد، تأثیرات عمیقی بر شعر معاصر گذاشت و باعث شد که ادبیات فارسی وارد دوره‌ای نوین و تحول‌خواهانه شود.

مبحث دوم - بررسی مسائل اجتماعی:

مطلب اول - فقر و بی‌عدالتی

نیما شرایط محیطی، بی‌عدالتی حاکمان و مسئولان کشور، جنگ، فاصله طبقاتی، نظام ارباب و رعیتی و... را عامل فقر بیان می‌کند و برای رفع این مشکل، از خود فقرا کمک می‌طلبد و آنها را به جنگ با فقر دعوت می‌کند

کای اسیران فقر و بدبختی

به شما رفت ای بسا بیداد

جانتان زین فسانه‌ها فرسود

داد از این شهر و این صنعت، داد

چند باید نشست سست و خموش

بندگی چند با دل ناشاد؟

از زمین برکنید آبادانی

تا به طرح نوی کنیم آباد (نیما یوشیج، 1373: 111).

نیما یوشیج در شعرهای خود، همیشه از بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی سخن می‌گوید. او شرایط محیطی، ظلم حاکمان و مسئولان کشور، جنگ، و فاصله طبقاتی را عواملی می‌داند که موجب فقر و نابرابری در جامعه می‌شود. در یکی از اشعارش، نیما به کسانی که درگیر فقر و بدبختی هستند، هشدار می‌دهد که از این شرایط رهایی پیدا کنند و برای تغییر وضعیت خود دست به عمل بزنند. او از فقرا می‌خواهد که برخیزند و با فقر بجنگند و از کسانی که در بالا قرار دارند، حقوق خود را مطالبه کنند (همان: 111).

در این شعر، نیما یوشیج با استفاده از زبان ساده و بیانی قوی، سعی دارد توجه مردم را به مشکلات اجتماعی جلب کند. او به‌طور واضح از نابرابری‌ها و ظلم‌هایی که در جامعه وجود دارد صحبت می‌کند و از مردم می‌خواهد که به‌جای سکوت و اطاعت از بی‌عدالتی، علیه آن مقاومت

کنند. این دعوت به اقدام نه تنها در قالب شعر بلکه به عنوان یک پیام اجتماعی هم قابل توجه است که باید در برابر بی عدالتی ها ایستادگی کرد و برای تغییر تلاش کرد (حمیدیان، 1383: 45). این دیدگاه نیما، که فقر و بی عدالتی را به عنوان عوامل مهم در شکست و نابودی جامعه می داند، به خوبی در بسیاری از آثارش نمایان است. او به جای پرداختن به مسائلی که بیشتر جنبه فردی دارند، بر مشکلات ساختاری و اجتماعی تأکید می کند. در واقع، او به شکلی نوین و متفاوت از شاعران کلاسیک، مسئله اجتماعی را در مرکز توجهات خود قرار می دهد و از آن به عنوان عاملی برای تغییر و تحول اجتماعی یاد می کند (زریندون، 1386: 129).

نیما در اشعارش به خصوص در شعرهایی که به نقد نظام اجتماعی و اقتصادی پرداخته، از زبان سمبلیک و استعاره های قدرتمند استفاده می کند. این روش نه تنها پیامش را مؤثرتر می کند بلکه به خواننده اجازه می دهد که خود به طور مستقل به تفکر در مورد موضوعات اشاره شده بپردازد. برای مثال، وقتی از «اسیران فقر و بدبختی» صحبت می کند، آن را به عنوان یک مبارزه اجتماعی در نظر می گیرد که مردم باید در برابر آن مقاومت کنند و برای آزادی از فقر به هم بپیوندند (پورچافی، 1384: 84).

یکی از جنبه های مهم در شعر نیما، دعوت به تغییر ساختارهای اجتماعی است. او معتقد است که بی عدالتی های اجتماعی نمی توانند ادامه پیدا کنند و باید برای اصلاح وضعیت موجود، اقداماتی اساسی صورت گیرد. در همین راستا، او با استفاده از زبان شعر به عنوان ابزاری برای مبارزه با این بی عدالتی ها بهره می برد و تلاش دارد تا مردم را برای تغییر و حرکت به سوی یک جامعه عادلانه تر تحریک کند (مختاری، 1378: 212).

نیما در شعرهایش، از مردم می خواهد که برای برقراری عدالت و رفع نابرابری ها، فعال شوند. او به شکلی مستقیم از فقر می خواهد که علیه وضعیت موجود قیام کنند و در برابر ظلم و فقر مقاومت کنند. او با این شعرها و پیام های اجتماعی خود، به نوعی به مردم آگاهی می دهد که برای تغییر شرایط و بهبود وضعیت خود باید دست به عمل بزنند و از بی تفاوتی پرهیز کنند (طاهباز، 1386: 160).

در تحلیل شعر نیما یوشیج، می توان گفت که او نه تنها به عنوان یک شاعر بلکه به عنوان یک اندیشمند اجتماعی، به نقش جامعه و مسئولیت های اجتماعی مردم تأکید دارد. او با بیان مشکلاتی که مردم با آن روبرو هستند، آنها را به فکر و عمل وادار می کند. این توجه به مسائل اجتماعی و

اقتصادی در شعر نیما، او را به یک نماد مهم در شعر معاصر فارسی تبدیل کرده است (پناهی، 1388: 99).

علاوه بر بی‌عدالتی‌های اجتماعی، نیما در اشعار خود به مشکلات دیگر همچون فساد، تبعیض و ظلم حاکمان نیز اشاره می‌کند. او با توصیف این مشکلات، خوانندگان خود را به تفکر و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود دعوت می‌کند و این پیام را به صورت غیرمستقیم در اشعارش منتقل می‌کند. شعر نیما در واقع یکی از مهم‌ترین ابزارهای او برای آگاه‌سازی مردم در برابر بی‌عدالتی‌های جامعه است (کدکنی، 1380: 159).

در این راستا، نیما به طور خاص به موضوع آزادی نیز اشاره می‌کند و می‌خواهد که مردم از قیود اجتماعی و اقتصادی رهایی یابند. او آزادی را نه تنها به عنوان یک حق فردی، بلکه به عنوان یک ضرورت اجتماعی می‌بیند که برای تحقق آن باید همه اعضای جامعه به طور فعال عمل کنند. این نگاه به آزادی و عدالت اجتماعی در بسیاری از اشعار نیما مشهود است (زریندو، 1386: 143). به طور کلی، نیما یوشیج در شعر خود همواره به عنوان یک شاعر اجتماعی شناخته می‌شود که نه تنها به زیبایی‌های فردی و طبیعی می‌پردازد بلکه دغدغه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را نیز در اشعارش مطرح می‌کند. او با استفاده از زبان شعر به عنوان یک ابزار مؤثر، تلاش دارد تا مردم را به آگاهی، مقاومت و تغییر وضعیت موجود وادارد و در این مسیر از تمام امکانات شعری خود بهره می‌برد (پورچافی، 1384: 178).

مطلب دوم - استبداد و ظلم

نیما با نگاه عمیق و تیزبینی که داشت، بی‌عدالتی و ظلم و ستم را در اشعار خود آشکارا بیان می‌کند. در شعر «محبس»، این بی‌عدالتی را از زبان زندانیان بازگو می‌کند و به شیوه سمبولیک، زندان را سمبل جامعه و زندانیان را سمبل همه افرادی می‌داند که با مشکلات حاکم ارتباط دارند و مورد بی‌عدالتی‌ها واقع می‌شوند.

این یکی را گنه که کم جنگید

و آن دگر را گنه که بد خندید

گنه این ز بیم رفتن جان

در تکاپو فتادن از پی نان

گنه آن قدم نهادن کج

گنه این گشادی دهان (پورچافی، 1384:).

نیما موضوع آزادی را در قالب استبدادستیزی و استعمارستیزی بیان می‌کند. او با صراحت به حاکمان استبداد می‌تازد و مردم را برای کسب آزادی به انقلاب دعوت می‌کند

نظر افکند به راه از همه جا

دید از هر چیز سیه، غم افزا

همه جا جنگ استبداد دراز

همه جا راه بر اهریمن باز

از برای قجری، نصف ملت مقهور (نیما یوشیج، 1373:124).

در شعر نیما، ظلم و بی‌عدالتی به وضوح بیان شده است. او با نگاهی عمیق و دقیق به جامعه، نابرابری‌ها و ظلم‌هایی که در اثر استبداد و فساد حاکم می‌شود را به تصویر می‌کشد. نیما در شعر «محبس»، که یکی از آثار مهم او در این زمینه است، بی‌عدالتی و ظلم حاکم را از زبان زندانیان روایت می‌کند. زندان در این شعر نماد جامعه‌ای است که در آن افراد بی‌گناه به دلیل مشکلات اجتماعی و سیاسی به بند کشیده می‌شوند. این تصویر نمادین که زندانیان به عنوان نمایندگان مردمی ستم‌دیده معرفی می‌شوند، نشان‌دهنده تضادهای اجتماعی و فساد حکومتی است. در این راستا، نیما از زبان زندانیان به توصیف رنج و ظلم‌هایی می‌پردازد که زندگی روزمره آنها را تحت تأثیر قرار داده است (حمیدیان، 1383: 45).

شعر «محبس» با استفاده از شیوه سمبولیک، ظلم و فساد را در قالب زندانیان و زندان بیان می‌کند. در این شعر، نیما به وضوح می‌گوید که مسئولیت هر انسان برای آنکه در برابر ظلم مقاومت کند، ضروری است. او با استفاده از این تمثیل به جامعه هشدار می‌دهد که تنها از طریق قیام و انقلاب است که می‌توان بر ظلم غلبه کرد و آزادی را به دست آورد. زندانیان که در شعر نیما صداهای معترض هستند، نمادی از مردم ستم‌دیده‌ای هستند که در برابر ظلم حاکمان قرار دارند و از آنها می‌خواهند که برای آزادی و عدالت بجنگند. این نمایش به خوبی نشان می‌دهد که نیما چگونه از طریق شعر خود برای آگاهی‌بخشی به مردم و مبارزه با بی‌عدالتی تلاش می‌کند (پورنامداریان، 1381: 123).

در بخشی از شعر، نیما به تضادهایی اشاره می‌کند که در جامعه وجود دارد و آن را به شکل گناه‌های مختلف به تصویر می‌کشد. او می‌گوید: «این یکی را گنه که کم جنگید / و آن دگر را گنه که بد خندید / گنه این ز بیم رفتن جان / در تکاپو فتادن از پی نان / گنه آن قدم نهادن کج / گنه این گشادی دهان». این بیت‌ها به خوبی نشان‌دهنده آن است که هر یک از افراد در جامعه به نوعی

درگیر ظلم و نابرابری هستند و این ظلم‌ها به طور غیرمستقیم بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. نیما با بیان این مسأله در شعر خود، سعی دارد تا مخاطبانش را به تفکر وادارد و آنها را از این بی‌عدالتی‌ها آگاه کند (حمیدیان، 1383: 48).

نیما در این اشعار نه تنها بی‌عدالتی و ظلم اجتماعی را به تصویر می‌کشد، بلکه همچنین به اهمیت آزادی اشاره می‌کند. او معتقد است که جامعه‌ای که در آن ظلم و فساد وجود دارد، نمی‌تواند آزادی و رفاه برای مردم به ارمغان آورد. در نتیجه، نیما آزادی را در قالب مبارزه با استبداد و استعمار مطرح می‌کند. این مفهوم در بسیاری از اشعار او دیده می‌شود و نشان می‌دهد که نیما آزادی را به عنوان یک حق مسلم برای مردم می‌داند. او در اشعار خود به شدت به حاکمان استبدادی حمله می‌کند و آنها را به باد انتقاد می‌گیرد (زرکوب، 1358: 101).

نیما در شعر «نظر افکند به راه از همه جا» به وضوح به استبداد حاکم در دوران قاجاریه اشاره می‌کند و می‌گوید: «همه جا چنگ استبداد دراز / همه جا راه بر اهریمن باز». این ابیات بیانگر تبیین فضای تاریک و بسته‌ای است که در آن هیچ راهی برای نجات وجود ندارد و تنها فساد و ستم است که بر مردم حاکم است. نیما در این شعر به این نکته اشاره می‌کند که استبداد نه تنها مردم را در تنگنا قرار می‌دهد، بلکه از آنها می‌خواهد تا در برابر آن سکوت کنند و از مبارزه برای آزادی بپرهیزند (نیما یوشیج، 1373: 124).

در این اشعار، نیما به نوعی اعتراض به وضعیت موجود دارد و مردم را به قیام برای تغییر وضعیت دعوت می‌کند. او بر این باور است که تنها از طریق انقلاب و تلاش برای کسب آزادی است که می‌توان بر ظلم و فساد غلبه کرد. نیما با این اشعار خود نشان می‌دهد که نه تنها ظلم در برابر مردم، بلکه همچنین استبداد حاکمان نیز مانع پیشرفت و آزادی است. بنابراین، درک درست از این اشعار نشان می‌دهد که نیما چه اندازه به آزادی و حقوق بشر اهمیت می‌دهد و چگونه آن را در آثار خود ترویج می‌کند (حمیدیان، 1383: 50).

در کنار انتقاد از استبداد و ظلم، نیما در اشعار خود به مسأله نابرابری اجتماعی و فاصله طبقاتی نیز می‌پردازد. او در بسیاری از آثار خود به این موضوع اشاره کرده است که در جامعه‌ای که تعداد کمی از افراد از ثروت و قدرت برخوردارند، بیشتر مردم در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند. نیما در شعر «کس نمی‌پرسد از بهر چیست»، این نابرابری را به طور آشکار بیان می‌کند: «آن همه زنده چنان مرده به جا / آن همه مرده چنان زنده به چشم از پی زیست». این اشعار نشان‌دهنده

فاصله‌های طبقاتی است که در جامعه وجود دارد و نیما در تلاش است تا این نابرابری‌ها را به تصویر بکشد (خامه‌ای، 1386:160).

نیما همچنین در برابر نابرابری‌هایی که در جامعه وجود دارد، موضعی قاطع اتخاذ می‌کند. او در شعر خود از زبان شخصیت‌های مختلف جامعه، بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌هایی را که در برابر آنها قرار دارند، بیان می‌کند. به عبارت دیگر، نیما از طریق هنر خود می‌کوشد تا آگاهی اجتماعی را در مردم بیدار کند و آنها را به ایستادگی در برابر ظلم و فساد دعوت کند. این امر نه تنها در اشعار او، بلکه در سراسر آثارش مشهود است (نیما یوشیج، 1373:117).

نیما در کنار مبارزه با ظلم، به ظلم‌ستیزی و استعمارستیزی نیز توجه ویژه‌ای داشته است. او در اشعار خود به دشمنی با استعمارگران و حاکمان استبدادی پرداخته و مردم را به مقاومت در برابر این ظلم‌ها و استعمار دعوت می‌کند. نیما با این رویکرد به دنبال ایجاد جامعه‌ای آزاد و برابری است که در آن عدالت و حقوق انسان‌ها رعایت شود (پورچافی، 1384: 90).

در نهایت، نیما با اشعار خود سعی دارد تا مردم را از خواب غفلت بیدار کند و آنها را به آگاهی و مبارزه علیه ظلم و فساد دعوت نماید. او با زبان هنر، به نقد وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه می‌پردازد و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. نیما با استفاده از زبان شعر، سعی دارد تا تحولی اجتماعی ایجاد کند که در آن ظلم و فساد جایگاهی نداشته باشد و آزادی و عدالت برای همه برقرار گردد (جعفری، 1386:74).

مطلب سوم - مسائل اجتماعی دیگر

نیما در اشعار خود به مسائل اجتماعی مختلفی اشاره می‌کند، از جمله فاصله طبقاتی، نظام ارباب رعیتی، نبود شایسته‌سالاری، و عقب‌ماندگی جامعه. در اجتماعی که عده‌ای از سیری شکم می‌ترکند و گروهی از تشنگی و گرسنگی می‌میرند، نیما غریبانه می‌سراید: کس نمی‌پرسد از بهر چیست

آن همه زنده چنان مرده به جا

آن همه مرده چنان زنده به چشم از پی زیست

آن همه جام که می‌ترکدشان معده، ز بس نوشیده

آن همه تشنه که می‌میرد از تشنگی و نیست ز کس پوشیده (پورچافی، 1384: 34).

نیما همچنین با دیدن نظام خانسالاری، حق مردم را در مال اربابان می‌بیند و برای آگاه کردن مردم از حق خوری اربابان، با زبان نمادین گاه ارباب را به گرگی سودجو تشبیه می‌کند: بدینسان بر سر ایوانش ارباب

چو گرگان در کمین سود باشد

خورد، غلتد، کند بسیارها خواب

دلش پرکین، کفش بی‌جود باشد

شما را بنگرند از راه بالا

چو کوشیدید و حاصل کشت بسته

ای ابله کشتکار ناتوانا

فرود آید هم این گرگ نشسته (کدکنی، 1380: 118).

نیما از شایسته سالاری و عدم تقسیم عادلانه منابع در جامعه انتقاد می‌کند و می‌گوید: در غبار انگیزی از اینگونه ایام

چه بسا جاندار، کاو ناکام

چه بسا هوش و لیاقت‌ها نهان مانده
رفته با بسیار روی نشان بسیارها چه بی‌نشان مانده

آتشی را روی پوشیده به خاکستر

چه بسا خاکستر، او را گشته بستر (همان: 296).

همچنین، نیما انتقاد از خرافه‌پرستی و جهل را نیز در اشعار خود نشان می‌دهد، به ویژه در قطعه «انگاسی»، جایی که سادملوحي مردم را بیان می‌کند: سوی شهر آمد آن زن انگاس

سیرکردن گرفت از چپ و راست

دید آیین‌های افتاده به خاک

گفت: حقاً که گوهری یکتاست

به تماشا چو برگرفت و بدید

عکس خود را فکند و پوزش خواست

که ببخشید خواهرم! به خدا

من ندانستم این گهر ز شماست (همان: 69).

مطلب سوم در اشعار نیما یوشیج به مسائلی اجتماعی اشاره دارد که ناظر به مشکلات عمیق جامعه در دوره‌ی معاصر او هستند. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نیما به آن توجه دارد، فاصله طبقاتی و نابرابری اجتماعی است. این امر در اشعار او با تصاویری زنده و عینی از رنج فقرا و تباهی ثروتمندان به تصویر کشیده می‌شود. نیما در این اشعار به طور ضمنی نقد می‌کند که چرا در جامعه‌ای که بعضی‌ها از رفاه کامل برخوردارند، عده‌ای دیگر در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند (براهنی، 1380:450). او این نابرابری‌ها را نه تنها به عنوان مشکلات فردی بلکه به عنوان یک پدیده اجتماعی و ساختاری می‌بیند که نیازمند تغییر است.

یکی از نمودهای بارز این انتقاد را در شعر معروف «کس نمی‌پرسد از بهر چیست» می‌توان مشاهده کرد. نیما در اینجا تصویری از یک جامعه‌ی دوگانه ارائه می‌دهد که در آن برخی از افراد در حال نوشیدن از لذت‌های دنیوی هستند، در حالی که عده‌ای دیگر در پی تأمین حداقل‌های زندگی، از گرسنگی و تشنگی جان می‌دهند. این تضاد نه تنها به عنوان یک موضوع اجتماعی بلکه به عنوان یک رنج عمومی در اشعار او به نمایش درمی‌آید (همان: 450).

نیما همچنین در برخورد با نظام ارباب‌سالاری و ظلم و فساد ناشی از آن، زبان انتقادی خود را تیزتر می‌کند. در یکی از اشعارش، او اربابان را به گرگ‌هایی تشبیه می‌کند که در کمین سودهای شخصی خود نشسته‌اند و در نهایت از زحمت کشاورزان بهره‌برداری می‌کنند. این تصویر نمادین، نیما را به نقد عمیق ساختارهای اجتماعی و اقتصادی می‌کشاند که در آن افراد به جای بهره‌برداری از حقوق خود، در چنگال اربابان به اسارت درآمده‌اند (پورنامداریان، 1381:118).

نقد نیما به نابرابری‌ها و ظلم در جامعه تنها محدود به نقد اقتصادی نیست. او همچنین به مسئله‌ی شایسته‌سالاری و عدم وجود عدالت اجتماعی در حوزه‌های مختلف توجه دارد. نیما در اشعار خود به این موضوع اشاره می‌کند که در بسیاری از مواقع هوش و استعداد افراد نه تنها به رسمیت شناخته نمی‌شود، بلکه به دلیل نبود فرصت‌های برابر، بسیاری از این استعدادها و توانمندی‌ها در سایه می‌مانند. به نظر او این شرایط باعث می‌شود که جامعه از شکوفایی و پیشرفت باز بماند و افراد مستعد نتوانند نقش مؤثری در تحول جامعه ایفا کنند (جعفری، 1386:296).

در این زمینه، نیما همچنین به نقض حقوق عمومی و به ویژه عدم توجه به رفاه اجتماعی افراد اشاره می‌کند. او در یکی از اشعارش به وضوح می‌گوید که بسیاری از افراد در این جامعه، حتی از حقوق ابتدایی خود نیز بی‌خبر هستند و به دلیل وجود خرافات و جهل، از واقعیت‌های زندگی

خود بی‌اطلاعت. این انتقاد نیما در اشعار او یک نقد فرهنگی نیز به شمار می‌آید که در آن عوام فریبی و تبلیغات دروغین باعث می‌شود مردم از حقوق خود بی‌خبر بمانند (جعفری، 1386:69).

علاوه بر این، نیما در اشعار خود به مسأله‌ی عقب‌ماندگی جامعه نیز اشاره دارد. او معتقد است که جامعه‌ای که به دلیل نبود آگاهی و آموزش به سمت پیشرفت حرکت نکند، در نهایت در باتلاق جهل و عقب‌ماندگی فرو خواهد رفت. نیما با زبان شعر خود درصدد آگاه‌سازی مردم است و می‌خواهد آن‌ها را به تلاش برای اصلاح و تغییر وضعیت اجتماعی تشویق کند.

در اشعار نیما، نقد به نهادهای اجتماعی و فرهنگی نه تنها از منظر سیاسی بلکه از منظر انسانی نیز مطرح می‌شود. او به خوبی نشان می‌دهد که هر فردی در جامعه باید از حقوق برابر برخوردار باشد و فرصت‌های رشد و پیشرفت باید برای همه افراد یکسان باشد. این نگاه انسانی نیما باعث می‌شود که اشعار او به مسأله‌های اجتماعی و فردی پیوندی عمیق پیدا کنند و درک بهتری از شرایط اجتماعی به مخاطب ارائه دهند (حمیدیان، 1383:59).

نیما همچنین به‌طور واضح در اشعار خود، مشکلات اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی خود را در قالب تصویرسازی‌های خاصی بیان می‌کند. او در بسیاری از اشعار خود از استعاره‌ها و نمادها استفاده می‌کند تا پیچیدگی‌های اجتماع و سیاست را به زبان ساده‌تر منتقل کند. این ویژگی اشعار نیما باعث می‌شود که مخاطبان از هر قشر اجتماعی و فرهنگی بتوانند با آثار او ارتباط برقرار کنند (همان، 1383:99).

در نهایت، نقد نیما به مشکلات اجتماعی تنها محدود به اشعارش نمی‌شود. او در زندگی شخصی‌اش نیز همواره در جستجوی اصلاحات اجتماعی و فرهنگی بود و تلاش می‌کرد تا از طریق هنر خود، مردم را به تغییر و تحول در جامعه ترغیب کند. این تلاش‌های نیما در آثارش بازتاب می‌یابد و نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی انتقادی و اصلاح‌گرایی او است (زریقوب، 1358:11).

در مجموع، نیما یوشیج به‌عنوان یکی از پیشگامان شعر مدرن فارسی، همواره در اشعار خود به مسائلی اجتماعی و فرهنگی پرداخته است که همچنان برای جامعه معاصر ایران اهمیت دارند. او با استفاده از زبان شعری و نمادین خود، به نقد عمیق و سازنده‌ای از وضعیت‌های اجتماعی پرداخته و در نهایت با دعوت به اصلاحات، خواسته است تا جامعه به سوی عدالت، آگاهی و پیشرفت حرکت کند (طاهباز، 1386:221).

نتیجه‌گیری:

جهت گیری اجتماعی و انسانی بخش بزرگی از شعر و ادبیات فارسی کلاسیک، ضعیف و بیمارگونه بود. به طور کلی از عصر مغول به بعد و تسلط همه جانبه و فراگیر عرفان و تصوف ابن عربی و اخلاف او، گرایشات اجتماعی به مرز صفر رسیده است. درواقع تعهد اجتماعی و انسانی نسبت به شعر و ادبیات از طریق ادبیات مشروطه به عصر معاصر میرسد، به گونه ای که یکی از وجوه تشخص شعر نیما در مقایسه با ادبیات کلاسیک میشود. نیما با قراردادن اثره در مرکز کار شاعری خود، دایره تنگ متکلم وحده شعر کلاسیک را گسترش داد و نوعی رئالیسم هنری و ادبی در شعر فارسی پی افکند که باعث شد شعر معاصر با اجتماع و انسان گره بخورد و از لاک درون اندیشی صرف و امور باطنی بیرون بیاید. نگرش نیما به طور کلی، این جهانی سکولار و انسان مدار است.

نیما با نگاهی عمیق تر و لحنی عریان تر، به مضامین اجتماعی در جامعه پرداخته است و به جزییات مشکلات جامعه بیشتر توجه نموده است. به مسائل اجتماعی با نگاهی کلی نگریسته است تصویر انسان در شعر گذشته، بیشتر کلی بود ولی در شعر نیما از نوع عینی و جزئی است. گرایش این جهانی، اصالت انسان، استبداد ستیزی و آزادی خواهی، اصالت اراده و اختیار آدمی و طبیعت گرایی از عناصر اجتماعی و انسانی شعر و تفکر نیما به شمار می رود. پایان سخن اینکه، به نظر می رسد به طور کلی بین جوامع برخوردار از دموکراسی و آزادخواهی شعر و ادبیات اجتماع گرا و انسان مدار است.

منابع و مأخذ:

1. براهنی، رضا. (1380)، طلا در مس (جلد 2)، تهران: زمان.
2. پورنامداریان، تقی. (1381)، خانه ام ابری است (جلد 2)، تهران: سروش.
3. جعفری، مسعود. (1386)، سیر رمانتیسیم در ایران (جلد 1)، تهران: مرکز.
4. حسین پورچافی، علی. (1384)، جریان های شعری معاصر فارسی (چاپ اول)، تهران: امیرکبیر.
5. حقوقی، محمد. (1384)، شعر زمان ما (نیمایوشیج) (جلد 6)، تهران: نگاه.
6. حمیدیان، سعید. (1383)، داستان دگر دیسی (روند دگرگونی های نیمایوشیج)، تهران: نیلوفر.
7. خامه ای، انور. (1386)، چهار چهره، خاطرات و تفکرات درباره نیمایوشیج، صادق هدایت، عبدالحسین نوشین و ذبیح بهروز. تهران: کتابسرا.
8. زرین کوب، حمید. (1358)، چشم انداز شعر نو فارسی (جلد 1)، تهران: توس.
9. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (1380)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت (جلد 1)، تهران: سخن.

10. شفیعی کدکنی؛ محمدرضا. (1386)، زمینه اجتماعی شعر فارسی (جلد 1)، تهران: اختران.
11. طاهباز، سیروس. (1386)، درباره هنر شعر و شاعری، تهران: نگاه.
12. طاهباز، سیروس. (1383)، مجموعه کامل اشعار نیمایوشیج (جلد 6)، تهران: نگاه.
13. فخرایی، ابراهیم. (1357)، سردار جنگل (چاپ نهم)، تهران: جاوید.
14. مختاری، محمد. (1378)، انسان در شعر معاصر (جلد 2)، تهران: توس.

المجلات:

1. احسن، هرسین؛ صالح، عباس. (2023)، النظرية الاجتماعية وابعادها والتزامها بالادب القومي، مجلة لارك (للفلسفة؛ اللسانيات؛ العلوم الاجتماعية)، جامعة واسط-العراق، 15 (3).

DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.Vol2.Iss50.3019>

Sources:

1. Brahni, Reza. (1380). Gold in copper (volume 2). Tehran: Zaman.
2. Poornamdarian, Taghi. (1381). My house is a cloud (volume 2). Tehran: Soroush.
3. Jafari, Massoud. (1386). The course of romanticism in Iran (volume 1). Tehran: Center.
4. Hosseinpourchafi, Ali. (1384). Contemporary Persian poetic trends (first edition). Tehran: Amir Kabir.
5. Legal, Mohammad. (1384). Poetry of our time (Nima Yoshij) (Volume 6). Tehran: Look.
6. Hamidian, Saeed. (1383). The story of metamorphosis (the transformation process of Nima Yoshij). Tehran: Nilofar.
7. Khameei, Anwar. (1386). Four faces, memories and thoughts about Nimayoshij, Sadegh Hedayat, Abdul Hossein Noushin and Zabih Behrouz. Tehran: Kitabsera.
8. Zarinkoob, Hamid. (1358). Perspectives of New Persian Poetry (Volume 1). Tehran: Tos.
9. Shafii Kodkani, Mohammad Reza. (1380). Periods of Persian poetry from constitutionalism to the fall of the monarchy (Volume 1). Tehran: Sokhn.
10. Shafii Kodkani, Mohammad Reza. (1386). The social context of Persian poetry (volume 1). Tehran: Akhtaran.
11. Tahbaz, Cyrus. (1386). About the art of poetry and poetry. Tehran: Look.
12. Tahbaz, Cyrus. (1383). The complete collection of poems by Nima Yoshij (volume 6). Tehran: Look.

- .13 Fakhraei, Ibrahim. (1357). Sardar Jangal (ninth edition). Tehran: Javed.
- .14 Mokhtari, Mohammad. (1378). Man in contemporary poetry (volume 2). Tehran: Tos.

Magazines:

- .1 Hassan, Harsin; Saleh, Abbas. (2023), Social Theory, Its Dimensions, and Its Commitment to National Literature, Lark Journal (Philosophy; Linguistics; Social Sciences), Wasit University - Iraq, 15 (3.(

DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.Vol2.Iss50.3019>

مجلة لارك للفلسفة واللسانيات والعلوم الاجتماعية